



قطره‌ای از فضایل و مناقب امام حسن مجتبی (ع)

حلم و صلح احیاگر دین

نویسنده: آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی

شخصیت والای حضرت امام حسن مجتبی علیه‌السلام آن پیشوای عالی‌قدر، بسیار عظیم‌تر از آن است که امثال حقیر بتوانیم با نگارش مقاله‌ای آن را شرح دهیم یا درباره آن کتابی بنگاریم.

* از نگاه دانشمندان اهل سنت

علاوه بر دانشمندان و نویسندگان بزرگ شیعه، علماء و بزرگان اهل سنت کتب بسیاری در شرح احوال و تاریخ زندگی آن حضرت نوشته‌شده، و دردها کتاب تاریخی، روایی، تفسیر، اخلاقی، تراجم و ...، فضایل و مناقب آن بزرگوار را بیان کرده‌اند؛ کتبی نظیر: «صحيح بخارى»، «صحيح مسلم»، «سنن ترمذی»، «سنن ابن ماجه»، «طبقات ابن سعد»، «سنن ابی داود»، «خصایص نسایی»، «جامع الصغیر»، «مصابیح الستة»، «اسعاف الزاغبین»، «نورالأبصار»، «تذکره الخواص»، «الاتحاف»، «کفایة الطالب»، «شرح نهج‌البلاغه ابن ابی‌الحدید»، «مرآة الجنان»، «ملتقى الأصفیاء»، «نظم درالسمطین»، «فرايد السمطین»، «سیرة حلبیه»، «اسد الغابة»، «الاستیعاب»، «الاصابة»، «تاریخ الخلفاء»، «الفصول المهمة» و ...

اینک برای رعایت اختصار، ترجمه قسمت‌هایی از کتاب «اهل‌البیت» (1)، تألیف «توفیق ابوعلم» (2) که یکی از تازه‌ترین تألیفات اهل تستن در سال 1390 هجری قمری است و در مصر نگاشته شده است را با اندک اضافاتی نقل می‌کنیم:

* فضایل بی‌شمار جایگاه امام مجتبی نزد رسول‌الله (ص)

اهل تشیع و تستن، به اتفاق بر این عقیده‌اند که آن حضرت، یکی از اصحاب «کساء» است که آیه «تطهیر» در شأن آنان نازل شد؛ و طبق حدیث متواتر «ثقلین»، عدل قرآن، و نیز یکی از چهارنفری است که پیغمبر صلی‌الله علیه و آله او را برای مباحله با نصاری «نجران»، حاضر فرمود.

«اسامة بن زید» روایت کرده که پیغمبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: این دو (حسن و حسین)، پسران من، و پسران دخترم هستند. خدایا! من آن‌ها را دوست دارم؛ پس، آن‌ها را دوست بدار و هر که آن‌ها را دوست می‌دارد، دوست بدار.

«عایشه» نقل کرده که: «إِنَّ التَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَأْخُذُ حَسَنًا فَيَضُمُّهُ إِلَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا ابْنِي وَآتَا حَبِيْبَهُ فَاحْبِبْهُ وَاحْبِبْ مَنْ يُحِبُّهُ» (3)

«انس بن مالک» می‌گوید: حسن علیه‌السلام بر پیغمبر صلی‌الله علیه و آله وارد شد. خواستم او را از پیغمبر صلی‌الله علیه و آله دور سازم که پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: «وای بر تو ای انس! پسر من و ثمره زندگی‌ام را واگذار. هر که او را اذیت کند، مرا اذیت کرده؛ و هر که مرا اذیت کند، خدا را اذیت کرده است.»

* مکارم اخلاق

امام حسن علیه‌السلام در خانه وحی، پرورش یافت و در مدرسه توحید، و در آغوش لطف و مرحمت جدش پیغمبر صلی‌الله علیه و آله و سلم مورد تربیت قرار گرفت.

ایشان در مکارم اخلاق و خوی پسندیده و روش نیکو، نمونه بود و یکی از علل محبوبیت فوق‌العاده آن حضرت، همان اخلاق کریمه‌اش بود که همگان او را به خاطر داشتن صفات حمیده می‌ستودند.

ادب، حلم، فصاحت، صداقت، سخاوت، شجاعت، تقوا، عبادت، زهد، تواضع و سایر خصایص ستوده، همه در او جمع، و خلق‌وخوی محمودی در او ظاهر و هویدا بود.

* خوف از عذاب الهی

امام حسن علیه‌السلام عابدترین مردم عصر خود، و زاهدترین و فاضل‌ترین ایشان بود. هنگامی که قصد حج می‌کرد با پای پیاده و چه بسا با پای‌برهنه عزیمت می‌فرمود. وقتی وضو می‌گرفت بدنش به لرزه می‌افتاد، و رنگش زرد می‌شد، و در هیچ حال، ذکر خدا را ترک نمی‌کرد. پارسا و بردبار و بافضل بود و از خدا خوف داشت.

* زهد بی‌نظیر

زهد امام به حدی بود که تمام اسباب حب و دلگرمی به امور دنیوی و نعم آن را ترک فرمود و به خانه آخرت و منزلگاه پرهیزکاران اقبال و توجه داشت و چنان بود که خود فرمود: «مَنْ عَرَفَ اللّٰهَ أَحَبَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا رَهَدَ فِيهَا، وَ الْمُؤْمِنُ لَا يَلْهُو حَتَّى يَغْفَلَ، إِذَا تَفَكَّرَ حَزَنٌ» (4)

امام علیه‌السلام از حکومت و زمامداری، به خاطر حفظ مصلحت اسلام و مسلمانان چشم‌پوشی کرد. هرگاه امام، مرگ و جایگاه

انسان را در ذهن خویش تداعی می‌کرد، ناخودآگاه می‌گریست و نیز وقتی که تعب و نشور و گذشتن از صراط را به خاطر می‌آورد، گریه می‌کرد. و زمانی که عرض بر خدا را در موقف حساب متذکر می‌شد، در میان ناله و صیحه‌ای که داشت، بی‌هوش می‌شد.

ادامه در صفحه 12

* پی‌نوشت:

1. صفحات 415-263.

2. رئیس مجلس اداره مسجد «السیدة نفیسه»، وکیل «وزارة العدل» و از دانشمندان مطلع.

3. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله حسن را می‌گرفت و به خود می‌چسباند و می‌فرمود: «خدایا به‌درستی که این پسر من است. من او را دوست دارم، پس تو او و دوستدار او را دوست بدار.»

4. اهل‌البیت، توفیق ابو‌علم، ص 296؛ هر کس خدا را بشناسد، او را دوست خواهد داشت و هر کس دنیا را شناخت، به آن بی‌میل و رغبت خواهد شد و مؤمن، لهو و لعب تا [از قیامت] غافل شود و چنانکه تفکر کند، غمگین می‌شود.

* نمایش رحمت الهی

امام حسن مجتبی علیه‌السلام مانند جدش پیغمبر صلی‌الله علیه و آله نمونه بارز رحمت الهی بود که دل‌های ناامید و اندوهناک را پر از امید و رحمت می‌کرد. او به دیدار ضعیفان می‌رفت؛ بیماران را عیادت می‌کرد؛ در تشییع جنازه‌ها شرکت می‌فرمود؛ دعوت مسلمانان را اجابت می‌کرد و اهتمام او بر این بود که مبادا کسی از ایشان رنجیده‌خاطر شود. از سوی آن حضرت، به احدی بدی و آزاری نمی‌رسید. با فقیران هم‌نشین می‌شد و بدی را با نیکی پاسخ می‌داد.

* حلم امام

امام حسن علیه‌السلام به‌تمام‌معنا، انسانی واقعی، و نمونه کامل خلق نیکوی پیغمبر صلی‌الله علیه و آله بود. غضب، او را به هیجان نمی‌آورد و امور شخصی ناخوشایند، او را تکان نمی‌داد. تحت تأثیر خشم، کاری انجام نمی‌داد و عمل آن حضرت همواره تداعی‌گر این آیات شریف بود که: «وَ الْكَاطِمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (2)

«وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ، ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» (2)

آن حضرت، هر چه از دشمنانش می‌دید، با صبر و گذشت و عفو، پاسخ می‌داد؛ تا آنجا که «مروان حکم» یکی از خبیث‌ترین دشمنان اهل‌بیت علیهم‌السلام، حلم و بردباری آن حضرت را به کوه تشبیه کرده بود.

او مانند جدش، در حلم و گذشت و عفو، نمونه جهانیان بود. تاریخ، از اخلاق او نوادری را حفظ کرده است و بر این دلالت دارد که او در طلیعه اخلاقیین و بنیان‌گذاران ادب و اخلاق، در جهان اسلام قرار دارد.

* محبت به مردم

آن حضرت، شیرین‌بیان، خوش‌معاشرت و با الفت و محبوب بود. پیر و جوان، و عموم مردم او را برای خصایص حمیده‌ای که داشت، دوست می‌داشتند. همواره به مردم، عطا و بخشش می‌کرد؛ چه از او درخواست می‌کردند و چه تقاضایی نمی‌کردند.

پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب، در تعقیب می‌نشست، سپس به دیدار کسانی که می‌بایست می‌رفت، و به آنان مهر و محبت می‌نمود. وقتی نماز ظهر را می‌خواند، در مسجد می‌نشست و به مردم علم و ادب می‌آموخت.

این بود قطره‌ای از فضایل و مناقب امام حسن مجتبی علیه‌السلام که بیش از آن است که بتوان بیان کرد. در پایان چند بیت را به محضر آن امام بزرگوار تقدیم می‌دارم:

آن‌که حریمش حَرَمِ کبریا است

خاک درش کعبه اهل وفا است

آن‌که سراپا همه لطف است و مهر

و آن‌که دلش منبع فیض خدا است

شخص شرف گوهر بحر کرم

و آن‌که رُخش آینه حق نما است

اُسوه حلم است و مُدارا و صبر

مظهر بخشایش و صلح و صفا است

عین کمالات و خصال نکو

معدن ایثار و گذشت و حیا است

آن‌که پس از شاه ولایت علی

مقصد و مقصود ز دو اثما است

آیه تطهیر و فَمَنْ حَاجَّكَ

سوره‌ای از منقبتش هل اتی است

عالم تفسیر و بطون کتاب

گواه آن کریمه قل کفی است

در کف امرش همه کون و مکان

تابع فرمان جنابش قضا است

ز ابر عطایش همگان بهره‌مند
غم‌زدگان را کرمش غم‌زدا است
همچو نبی صاحب صفح جمیل
مُلْتزَم عهد السّت و بلی است
صاحب این وصف و علامات کیست؟
کاین همه‌اش قدر و مقام و بها است
سبط مهین حافظ شرع مبین
سیدِ خوبان حسن مجتبی است
پی‌نوشت:

1. سوره آل عمران، آیه 134؛ و فرو برندگان خشم و در گذرندگان از مردم که خداوند نیکوکاران را دوست دارد.
2. سوره فصلت، آیه 34؛ نیکی و بدی مساوی نیستند، تو بدی را به روشی که نیکوتر است برطرف نما.